حکایت هایی از فخر المحققین

(10:00)

فخر المحققین واقعاً عجیب بوده. پسری بوده که به تمام معنا زیبنده پدر بوده. حاج آقا فرموده بودند علامه دیده بودند که پسرشان به نماز جماعت نمی‌آید. صدایش زدند و فرمودند چند روز است که به نماز نمی‌آیی؟! گفت باباا! من در عدالت شما شک کردم. آخه چرا؟! گفت: شما تحصیل واجب را ترک کردی و به زیارت رفتید. آن وقت از حله به زیارت می‌رفتند. شما به زیارت رفته‌ای و ترک واجب کرده‌ای به خاطر زیارت مستحب. من خدشه کردم . می‌گفتند: علامه به خادمش فرمود: برو از خورجین آن کتاب را بیاور. آوردند «تبصرة المتعلمین» بود. گفت من در سفر این را نوشتم. هم سفر زیارت بوده و هم تحصیل علم. می‌گفتند: فردا به نماز آمد! فخر در کتاب الالفین علامه هم جمله‌ای دارند. ببینید چقدر بالا است. الالفین برای پدر است. دو هزار دلیل در عصمت امام علیه‌السلام. پدر نوشته و ایشان استنساخ کرده است. آن وقتی استنساخ می‌کرده که شرائط اجتماعی سختی برایشان پیش آمده بود و در حالت فرار در کوه‌های قفقاز بودند. همان جا نوشته است. چهار سطر از الالفین برای پسر است. نوشته اند وقتی به این دلیلی که الآن نوشتم رسیدم، دیدم این دلیل برهان نیست و خطابه است ظنی است. لذا قلم را گذاشتم و گفتم من غیر از برهان نمی نویسم. روحیه را ببینید، نمی‌گوید چون پدر من نوشته دیگر من اصلاً [کاری به آن ندارم]. می‌گوید: قلم را زمین گذاشتم و گفتم به‌غیرازبرهان نمی نویسم. بعد می‌گوید: شب پدرم را خواب دیدم؛ این خواب خیلی جالب است. می‌گوید: چون خیلی ناراحت بودم وقتی به پدر رسیدم شروع به شکوه و زاری کردم، به‌طوری‌که پدر فرمود «اقطع خطابك فقد قطعت نياط قلبي»[1]؛ باباا بند دل من را پاره کردی. یعنی این قدر اذیت شدم از این‌که تو این قدر در سختی هستی. «دع المبالغة في الحزن علي فإني قد بلغت من المنى أقصاها، ومن الدرجات أعلاها، ومن الغرف ذراها وأقلل من البكاء، فأنا مبالغ لك في الدعاء»؛ علامه می‌گویند من که به بالاترین آرزوهایم رسیدم... . بعد می‌گوید: به ایشان گفتم که این دلیل برهانی نیست و پدر توضیح می‌دهند که چرا برهانی است. وقتی مقصود را دیدم فهمیدم که راست می‌گویند. وقتی بیدار شدم نوشتن را ادامه دادم. این در الفین است. منظور این‌که این جور پسری حق بوده که علامه برای او سنگ تمام بگذارد. ایشان یک تعبیر خیلی بزرگی هم برای شهید اول دارند.

---

[1] الألفين نويسنده : العلامة الحلي جلد : ١ صفحه : ١٣۶

(حكاية ومنام)

يقول محمد بن الحسن بن المطهر حيث وصل في ترتيب هذا الكتاب وتبيينه إلى هذا الدليل في حادي عشر جمادي الآخر سنة ست وعشرين وسبعمائة بحدود آذربايجان خطر لي أن هذا خطابي لا يصلح في المسائل البرهانية، فتوقفت في كتابته فرأيت والدي عليه الرحمة تلك الليلة في المنام وقد سلاني السلوان وصالحني الأحزان، فبكيت بكاء شديدا وشكيت إليه من قلة

المساعد وكثرة المعاند، وهجر الإخوان وكثرة العداوان، وتواتر الكذب والبهتان، حتى أوجب ذلك لي جلاء عن الأوطان، والهرب إلى أراضي آذربايجان، فقال لي: اقطع خطابك فقد قطعت نياط قلبي، وقد سلمتك إلى الله فهو سند من لا سند له، وجاز في المسئ بالاحسان فلك ملك عالم عادل قادر الا يهمل مثقال ذرة وعوض الآخرة أحب إليك من عوض الدنيا ومن أجرته إلى الآخرة فهو أحسن وأنت أكسب الا ترضى بوصول أعواض لم تتعب فيها أعضاءك، ولم تكل بها قواك والله ولو لم علم الظالم والمظلوم بخسارة التجارة وربحها لكان الظلم عند المظلوم متوقي وعند الظالم متوعد المبالغة في الحزن علي فإني قد بلغت من المنى أقصاها، ومن الدرجات أعلاها، ومن الغرف ذراها وأقلل من البكاء، فأنا مبالغ لك في الدعاء، فقلت: اي سيدي الدليل الحادي والمخمسون بعد المائة من كتاب الألفين على عصمة الأئمة يعتريني فيه شك، فقال: لم، قلت: لأنه خطابي، فقال:

بل برهاني، فإن إرادة الشئ تستلزم كراهة ضده وقوة الكراهة وضعفها من حيث الضدية تابع لقوة الإرادة وضعفها وكراهة الشئ منافية لإرادته، فيمتنع الفعل والتزام القوانين الشرعية، ومالزمة الأفعال التي هي كمال القوة العقلية مضادة لمتابعة القوى الشهوانية والغضبية على خلاف العدل لأن تلك تستلزم استحقاق المدح والثواب، وهذه تستلزم استحقاق الذم والعقاب وتنافي اللوازم يستلزم تنافي الملزومات والداعي إلى فعل المعاصي إنما هو توهم تكميل القوى البدنية الحيوانية، والإمام حافظ للعدل مطلقا في جميع الأحوال فإذا لم يحصل له ما قلنا كان له التفات ما إلى تكميل القوى البدنية، فلا يحيط العدل في جميع الأحوال فلا يصلح للإمامة، فإذا تجرد عن القوى البدنية لم يحصل له إرادة إلى تكميل قواه بإبلاغ القوة الشهوية والغضبية والحسية مقتضاها، فلا يريد المعاصي ومع حصول المشاهدات المذكورة يحصل له المواظبة على الطاعات والصارف عن المعاصي فتمتنع منه المعاصي، وهذا هو العصمة والعلم بعصمة وحاله يحصل من الرابع وطاعته أيضا به فيتعلق الآمل وهو آثار الكمال والتكميل، وعند ذلك تتم فائدة الإمام.

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 15:17:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 15:18:21 توسط ... .